

بسمه تعالی

دانشگاه آزاد علوم انسانی بوشهر

رشته :

آموزش ابتدایی

عنوان :

انقلاب اسلامی ایران

استاد :

دکتر مشایخی

توسط :

نعیمه بحرینی

تابستان ۹۹

منبع : <https://www.beytoote.com>

زندگینامه امام خمینی - بیوگرافی امام خمینی

زندگینامه امام خمینی:



امام خمینی در روز بیستم جمادی الثانی ۱۳۲۰ هجری قمری مطابق با ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ هجری شمسی (۲۴ سپتامبر ۱۹۰۲ میلادی) در شهرستان خمین از توابع استان مرکزی ایران در خانواده ای اهل علم و هجرت و جهاد و در خاندانی از سلاله زهرای اطهر سلام الله علیها، روح الله الموسوی الخمینی پای بر خاکدان طبیعت نهاد.

او وارث سجایای آبا و اجدادی بود که نسل در نسل در کار هدایت مردم و کسب معارف الهی کوشیده اند. پدر بزرگوار امام خمینی مرحوم آیه الله سید مصطفی موسوی از معاصرین مرحوم آیه الله العظمی

میرزای شیرازی (رض)، پس از آنکه سالیانی چند در نجف اشرف علوم و معارف اسلامی را فرا گرفته و به درجه اجتهاد نایل آمده بود به ایران بازگشت و در خمین ملجأ مردم و هادی آنان در امور دینی بود. در حالیکه بیش از ۵ ماه ولادت امام خمینی نمی گذشت، طاغوتیان و خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت ندای حق طلبی پدر را که در برابر زورگوئیهایشان به مقاومت بر خاسته بود، با گلوله پاسخ گفتند و در مسیر خمین به اراک وی را به شهادت رساندند.

بدین ترتیب امام خمینی از اوان کودکی با رنج یتیمی آشنا و با مفهوم شهادت روبرو گردید. وی دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی مادر مومنه اش (بانو هاجر) که خود از خاندان علم و تقوا و از نوادگان مرحوم آیه الله خوانساری (صاحب زیده التصانیف) بوده است. همچنین نزد عمه مکرمه اش (صاحبه خانم) که بانویی شجاع و حقجو بود سپری کرد اما در سن ۱۵ سالگی از نعمت وجود آن دو عزیز نیز محروم گردید.

هجرت امام خمینی به قم و تحصیل دروس تکمیلی:

اندکی پس از هجرت آیه الله العظمی حاج شیخ عبد الکریم حایری یزدی - رحمه الله علیه - (نوروز ۱۳۰۰ هجری شمسی، مطابق با رجب المرجب ۱۳۴۰ هجری قمری) امام خمینی نیز رهسپار حوزه علمیه قم گردید و به سرعت مراحل تحصیلات تکمیلی علوم حوزوی را نزد اساتید حوزه قم طی کرد.

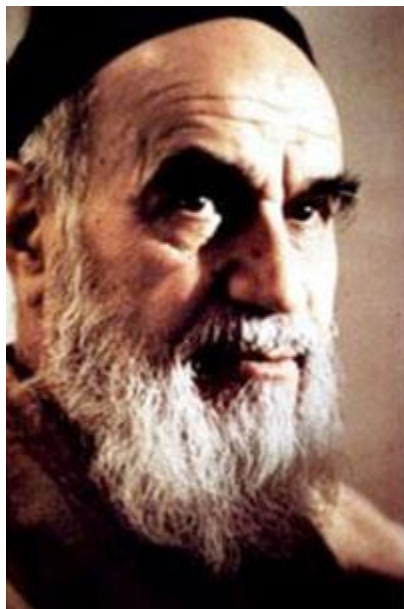
ازدواج امام خمینی و تشکیل خانواده:

میرزا محمد ثقفی تهرانی در زمان تحصیل در شهر مقدس قم، با حاج آقا روح الله مصطفوی خمینی (حضرت امام) که در آن زمان ۲۷ سال داشت آشنا شد که همین آشنایی، واسطه ازدواج امام خمینی (ره) با بانو ثقفی در سال ۱۳۰۸ شمسی شد.

امام خمینی در سال ۱۳۰۸ هجری خورشیدی با خدیجه ثقفی دختر میرزا محمد ثقفی تهرانی ازدواج کرد. برخلاف سنت رایج چند همسری و متعه در بین روحانیان آن زمان، خمینی هیچگاه همسر دیگری و متعه اختیار نکرد و برخلاف رسم آن زمان خمینی در امور منزل به همسرش کمک می کرد.

ثمره این ازدواج تولد سید مصطفی، فرزند اول آنها در آذر ۱۳۰۹؛ سید احمد در ۲۶ اسفند ۱۳۲۴ و خانمها سیده فریده، سیده زهرا و سیده صدیقه بود.

پس از رحلت آیه الله العظمی حایری یزدی تلاش امام خمینی به همراه جمعی دیگر از مجتهدین



حوزه علمیه قم به نتیجه رسید و آیه الله العظمی (رض) به عنوان زعیم حوزه علمیه عازم قم گردید. در این زمان امام خمینی به عنوان یکی از مدرسین و مجتهدین صاحب رای در فقه و اصول و فلسفه و عرفان و اخلاق شناخته می شد. حضرت امام خمینی طی سالهای طولانی در حوزه علمیه قم به تدریس چندین دوره فقه، اصول، فلسفه و عرفان و اخلاق اسلامی در فیضیه، مسجد اعظم، مسجد محمدیه، مدرسه حاج ملاصادق، مسجد سلماسی، و ... همت گماشت و در حوزه علمیه نجف نیز قریب ۱۴ سال در مسجد شیخ اعظم انصاری (ره) معارف اهل بیت و فقه را در عالیترین سطوح تدریس نمود و در نجف بود که برای نخستین بار مبانی نظری حکومت اسلامی را در سلسله درسهای ولایت فقیه بازگو نمود.

امام خمینی در سنگر مبارزه و قیام:

روحیه مبارزه و جهاد در راه خدا ریشه در بینش اعتقادی و تربیت و محیط خانوادگی و شرایط سیاسی و اجتماعی طول دوران زندگی امام خمینی داشته است. مبارزات ایشان از آغاز نوجوانی آغاز، و سیر تکاملی آن به موازات تکامل ابعاد روحی و علمی امام خمینی از یکسو و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی ایران و جوامع اسلامی از سوی دیگر در اشکال مختلف ادامه یافته است و در سال ۱۳۴۰ و ۴۱ ماجرای انجمنهای ایالتی و ولایتی فرصتی پدید آورد تا امام خمینی در رهبریت قیام و روحانیت ایفای نقش کند و بدین ترتیب قیام سراسری روحانیت و ملت ایران در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ با دو ویژگی برجسته یعنی رهبری واحد امام خمینی و اسلامی بودن انگیزه ها، و شعارها و هدفهای قیام، سرآغازی ششدر فصل نوین مبارزات ملت ایران که بعدها تحت نام انقلاب اسلامی در جهان شناخته و معرفی شد

امام خمینی خاطره خویش از جنگ بین الملل اول را در حالیکه نوجوانی ۱۲ ساله بوده چنین یاد می کند : من هر دو جنگ بین المللی را یادم هست ... من کوچک بودم لکن مدرسه می رفتم و سربازهای شوروی را در همان مرکزی که ما داشتیم در خمین، من آنجا آنها را می دیدم و ما مورد تاخت و تاز واقع می شدیم در جنگ بین الملل اول.

پس از رحلت آیه الله العظمی حایری (۱۰ بهمن ۱۳۱۵ ه.ش) حوزه علمیه قم را خطر انحلال تهدید می کرد. علمای متعدّد به چاره جویی برخاستند. مدت هشت سال سرپرستی حوزه علمیه قم را آیات عظام : سید محمد حجت، سید صدر الدین صدر و سید محمد تقی خوانساری - رضوان الله علیهم - بر عهده گرفتند. در این فاصله و بخصوص پس از سقوط رضاخان، شرایط برای تحقق مرجعیت عظمی فراهم گردید. آیه الله العظمی بروجردی شخصیت علمی برجسته ای بود که می توانست جانشین مناسبی برای مرحوم حایری و حفظ کیان حوزه باشد. این پیشنهاد از سوی شاگردان آیه الله حایری و از جمله امام خمینی به سرعت تعقیب شد. شخص **امام خمینی** در دعوت از آیه الله بروجردی برای هجرت به قم و پذیرش مسئولیت خطیر زعامت حوزه مجدانه تلاش کرد.

امام خمینی در تعقیب هدفهای ارزشمند خویش در سال ۱۳۲۸ طرح اصلاح اساس ساختار حوزه علمیه را با همکاری آیه الله مرتضی حایری تهیه کرد و به آیه الله بروجردی (ره) پیشنهاد داد. این طرح از سوی شاگردان امام و طلاب روشن ضمیر حوزه مورد استقبال و حمایت قرار گرفت. اما رژیم در محاسباتش اشتباه کرده بود. لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی که به موجب آن شرط مسلمان بودن، سوگند به قرآن کریم و مرد بودن انتخاب کنندگان و کاندیداها تغییر می یافت در ۱۶ مهر ۱۳۴۱ ه.ش به تصویب کابینه امیر اسد الله علم رسید. آزادی انتخابات زنان پوششی برای مخفی نگه داشتن هدفهای دیگر بود. حذف و تغییر دو شرط نخست دقیقاً به منظور قانونی کردن حضور عناصر بهایی در مصادر کشور انتخاب شده بود. چنانکه قبلاً نیز اشاره شد پشتیبانی شاه از رژیم صهیونیستی در توسعه مناسبات ایران و اسرئیل شرط حمایتهای آمریکا از شاه بود. نفوذ پیروان مسلک استعماری بهائیت در قوای سه گانه ایران این شرط را تحقق می بخشید. امام خمینی به همراه علمای بزرگ قم و تهران به محض انتشار خبر تصویب لایحه مزبور پس از تبادل نظر دست به اعتراضات همه جانبه زدند.

نقش حضرت **امام خمینی** در روشن ساختن اهداف واقعی رژیم شاه و گوشزد کردن رسالت خطیر علما و حوزه های علمیه در این شرایط بسیار موثر و کارساز بود. تلگرافها و نامه ها سرگشاده اعتراض آمیز علما به شاه و اسد الله علم موجی از حمایت را در اقصای مختلف مردم برانگیخت. لحن تلگرافهای امام خمینی به شاه و نخست وزیر تند و هشدار دهنده بود.

بدین ترتیب ماجرای انجمنهای ایالتی و ولایتی تجربه ای پیروز و گرانبدر برای ملت ایران بویژه از آن جهت بود که طی آن ویژگیهای شخصیتی را شناختند که از هر جهت برای رهبری امت اسلام شایسته بود. با

وجود شکست شاه در ماجرای انجمنها، فشار آمریکا برای انجام اصلاحات مورد نظر ادامه یافت. شاه در دیماه ۱۳۴۱ هجری شمسی اصول ششگانه اصلاحات خویش را بر شمرد و خواستار فراندوم شد. امام خمینی بار دیگر مراجع و علمای قم را به نشست و چاره جویی دوباره فراخواند.

با پیشنهاد امام خمینی عید باستانی نوروز سال ۱۳۴۲ در اعتراض به اقدامات رژیم تحریم شد. در اعلامیه حضرت امام خمینی از انقلاب سفید شاه به انقلاب سیاه تعبیر و همسوایی شاه با اهداف آمریکا و اسرائیل افشا شده بود. از سوی دیگر، شاه در مورد آمادگی جامعه ایران برای انجام اصلاحات آمریکا به مقامات واشنگتن اطمینان داده بود و نام اصلاحات را انقلاب سفید نهاده بود. مخالفت علما برای وی بسیار گران می آمد.

امام خمینی در اجتماع مردم، بی پروا از شخص شاه به عنوان عامل اصلی جنایات و همپیمان با اسرائیل یاد می کرد و مردم را به قیام فرا می خواند. امام خمینی در سخنرانی خود در روز دوازده فروردین ۱۳۴۲ شدیداً از سکوت علمای قم و نجف و دیگر بلاد اسلامی در مقابل جنایات تازه رژیم انتقاد کرد و فرمود: امروز سکوت همراهی با دستگاه جباراست حضرت امام روز بعد (۱۳ فروردین ۴۲) اعلامیه معروف خود را تحت عنوان شاه دوستی یعنی غارتگری منتشر ساخت. راز تأثیر شگفت پیام امام خمینی و کلام امام در روان مخاطبینش که تا مرز جانبازی پیش می رفت را باید در همین اصالت اندیشه، صلابت رای و صداقت بی شائبه اش با مردم جستجو کرد.

سال ۱۳۴۲ با تحریم مراسم عید نوروز آغاز و با خون مظلومین فیضیه خونریز شد. شاه بر انجام اصلاحات مورد نظر آمریکا اصرار می ورزید و امام خمینی بر آگاه کردن مردم و قیام آنان در برابر دخالتهای آمریکا و خیانتهای شاه پافشاری داشت. در چهارده فروردین ۱۳۴۲ آیه الله العظمی حکیم از نجف طی تلگرافهایی به علما و مراجع ایران خواستار آن شد که همگی به طور دسته جمعی به نجف هجرت کنند. این پیشنهاد برای حفظ جان علما و کبان حوزه ها مطرح شده بود.

حضرت امام خمینی بدون اعتنا به این تهدیدها، پاسخ تلگراف آیه الله العظمی حکیم را ارسال نموده و در آن تأکید کرده بود که هجرت دسته جمعی علما و خالی کردن حوزه علمیه قم به مصلحت نیست. امام خمینی در پیامی (به تاریخ ۱۲ / ۲ / ۱۳۴۲) بمناسبت چهلم فاجعه فیضیه بر همراهی علما و ملت ایران در رویارویی سران ممالک اسلامی و دول عربی با اسرائیل غاصب تأکید ورزید و پیمانهای شاه و اسرائیل را محکوم کرد.

قیام ۱۵ خرداد:

ماه محرم ۱۳۴۲ که مصادف با خرداد بود فرا رسید. امام خمینی از این فرصت نهایت استفاده را در تحریک مردم به قیام علیه رژیم مستبد شاه بعمل آورد.

امام خمینی در عصر عاشورای سال ۱۳۸۳ هجری قمری (۱۳ خرداد ۱۳۴۲ شمسی) در مدرسه فیضیه نطق تاریخی خویش را که آغازی بر قیام ۱۵ خرداد بود ایراد کرد.

در همین سخنرانی بود که امام خمینی با صدای بلند خطاب به شاه فرمود: آقا من به شما نصیحت می‌کنم، ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت می‌کنم دست بردار از این کارها، آقا اغفال می‌کنند تو را. من میل ندارم که یک روز اگر بخواهند تو بروی، همه شکر کنند... اگر دیکته می‌دهند دستت و می‌گویند بخوان، در اطرافش فکر کن... نصیحت مرا بشنو... ربط ما بین شاه و اسرائیل چیست که سازمان امنیت می‌گوید از اسرائیل حرف نزنید... مگر شاه اسرائیلی است؟ شاه فرمان خاموش کردن قیام را صادر کرد. نخست جمع زیادی از یاران امام خمینی در شامگاه ۱۴ خرداد دستگیر و ساعت سه نیمه شب (سحرگاه پانزده خرداد ۴۲) صدها کماندوی اعزامی از مرکز، منزل حضرت امام خمینی را محاصره کردند و ایشان را در حالیکه مشغول نماز شب بود دستگیر و سراسیمه به تهران برده و در بازداشتگاه باشگاه افسران زندانی کردند و غروب آنروز به زندان قصر منتقل نمودند. صبحگاه پانزده خرداد خبر دستگیری رهبر انقلاب به تهران، مشهد، شیراز و دیگر شهرها رسید و وضعیتی مشابه قم پدید آورد.

نزدیکترین ندیم همیشگی شاه، تیمسار حسین فردوست در خاطراتش از بکارگیری تجربیات و همکاری زبده ترین مأمورین سیاسی و امنیتی آمریکا برای سرکوب قیام و همچنین از سراسیمگی شاه و دربار و امرای ارتش و ساواک در این ساعات پرده برداشته و توضیح داده است که چگونه شاه و ژنرالهایش دیوانه وار فرمان سرکوب صادر می‌کردند.

امام خمینی، پس از ۱۹ روز حبس در زندان قصر به زندانی در پادگان نظامی عشرت آباد منتقل شد.

با دستگیری امام خمینی و کشتار وحشیانه مردم در روز ۱۵ خرداد ۴۲، قیام ظاهراً سرکوب شد. امام خمینی در حبس از پاسخ گفتن به سئوالات بازجویان، با شهامت و اعلام اینکه هیئت حاکمه در ایران و قوه قضائیه آنرا غیر قانونی و فاقد صلاحیت می‌داند، اجتناب ورزید. در شامگاه ۱۸ فروردین سال ۱۳۴۳ بدون اطلاع قبلی، امام خمینی آزاد و به قم منتقل می‌شود. به محض اطلاع مردم، شادمانی سراسر شهر را فرا می‌گیرد و جشنهای باشکوهی در مدرسه فیضیه و شهر به مدت چند روز بر پا می‌شود. اولین سالگرد قیام ۱۵ خرداد در سال ۱۳۴۳ با صدور بیانیه مشترک امام خمینی و دیگر مراجع تقلید و بیانیه های جداگانه حوزه های علمیه گرامی داشته شد و به عنوان روز عزای عمومی معرفی شد.

امام خمینی در همین روز (۴ آبان ۱۳۴۳) بیانیه ای انقلابی صادر کرد و در آن نوشت: دنیا بدانند که هر گرفتاری ای که ملت ایران و ملل مسلمین دارند از اجانب است، از آمریکاست، ملل اسلام از اجانب عموماً و از آمریکا خصوصاً متنفر است... آمریکاست که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می‌کند.

کند. آمریکا است که به اسرائیل قدرت می دهد که اعراب مسلم را آواره کند. افشاکری امام خمینی علیه تصویب لایحه کاپیتولاسیون، ایران را در آبان سال ۴۳ در آستانه قیامی دوباره قرار داد.

از طرف دیگر به موجب سندهایی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی منتشر شد، کسانی همچون آقای شریعتمداری در این زمان (آبان ۴۳) از موقعیت و نفوذ خود استفاده کرده و کوشیدند تا طرفداران خویش را وادار به سکوت و عدم حمایت از دعوت امام خمینی نمایند. سحرگاه ۱۳ آبان ۱۳۴۳ دوباره کماندوهای مسلح اعزامی از تهران، منزل امام خمینی در قم را محاصره کردند. شگفت آنکه وقت باز داشت، همانند سال قبل مصادف با نیایش شبانه امام خمینی بود. حضرت امام خمینی بازداشت و به همراه نیروهای امنیتی مستقیماً به فرودگاه مهرآباد تهران اعزام و با یک فروند هواپیمای نظامی که از قبل آماده شده بود، تحت الحفظ مامورین امنیتی و نظامی به آنکارا پرواز کرد. عصر آنروز ساواک خبر تبعید امام خمینی را به اتهام اقدام علیه امنیت کشور! در روزنامه ها منتشر ساخت.

علیرغم فضای خفقان موجی از اعتراضها به صورت تظاهرات در بازار تهران، تعطیلی طولانی مدت دروس حوزه ها و ارسال طومارها و نامه ها به سازمانهای بین المللی و مراجع تقلید جلوه گر شد. اقامت امام در ترکیه یازده ماه به درازا کشید در این مدت رژیم شاه با شدت عمل بی سابقه ای بقایای مقاومت را در ایران در هم شکست و در غیاب امام خمینی به سرعت دست به اصلاحات آمریکا پسند زد. اقامت اجباری در ترکیه فرصتی مغتنم برای امام بود تا تدوین کتاب بزرگ تحریر الوسيله را آغاز کند.

تبعید امام خمینی از ترکیه به عراق:

روز ۱۳ مهرماه ۱۳۴۳ حضرت امام به همراه فرزندشان آیه الله حاج آقا مصطفی از ترکیه به تبعیدگاه دوم، کشور عراق اعزام شدند. امام خمینی پس از ورود به بغداد برای زیارت مرقد اُمّه اطهار(ع) به شهرهای کاظمین، سامرا و کربلا شتافت و یک هفته بعد به محل اصلی اقامت خود یعنی نجف عزیمت کرد.

دوران اقامت طولانی و ۱۳ ساله امام خمینی در نجف در شرایطی آغاز شد که هر چند در ظاهر فشارها و محدودیتهای مستقیم در حد ایران و ترکیه وجود نداشت اما مخالفتها و کارشکنیها و زخم زبانها نه از جبهه دشمن رویارو بلکه از ناحیه روحانی نمایان و دنیا خواهان مخفی شده در لباس دین آنچنان گسترده و آزاردهنده بود که امام خمینی با همه صبر و بردباری معروفش بارها از سختی شرایط مبارزه در این سالها به تلخی تمام یاد کرده است. ولی هیچیک از این مصائب و دشواریها نتوانست او را از مسیری که آگاهانه انتخاب کرده بود باز دارد.

امام خمینی سلسله درسهای خارج فقه خویش را با همه مخالفتها و کارشکنیهای عناصر مغرض در آبان ۱۳۴۴ در مسجد شیخ انصاری (ره) نجف آغاز کرد که تا زمان هجرت از عراق به پاریس ادامه داشت.

حوزه درسی ایشان به عنوان یکی از برجسته ترین حوزه های درسی نجف از لحاظ کیفیت و کمیت شاگردان شناخته شد.

امام خمینی از بدو ورود به نجف با ارسال نامه ها و پیکههایی به ایران، ارتباط خویش را با مبارزین حفظ نموده و آنان را در هر مناسبتی به پایداری در پیگیری اهداف قیام ۱۵ خرداد فرا می خواند . **امام خمینی** در تمام دوران پس از تبعید، علیرغم دشواریهای پدید آمده، هیچگاه دست از مبارزه نکشید، و با سخنرانیها و پیامهای خویش امید به پیروزی را در دلها زنده نگاه می داشت.

امام خمینی در گفتگویی با نماینده سازمان الفتح فلسطین در ۱۹ مهر ۱۳۴۷ دیدگاههای خویش را درباره مسأل جهان اسلام و جهاد ملت فلسطین تشریح کرد و در همین مصاحبه بر وجوب اختصاص بخشی از وجوه شرعی زکات به مجاهدان فلسطینی فتوا داد. اوایل سال ۱۳۴۸ اختلافات بین رژیم شاه و حزب بعث عراق بر سر مرز آبی دو کشور شدت گرفت. رژیم عراق جمع زیادی از ایرانیان مقیم این کشور را در بدترین شرایط اخراج کرد. حزب بعث بسیار کوشید تا از دشمنی **امام خمینی** با رژیم ایران در آن شرایط بهره گیرد.

چهار سال تدریس، تلاش و روشننگری **امام خمینی** توانسته بود تا حدودی فضای حوزه نجف را دگرگون سازد. اینک در سال ۱۳۴۸ علاوه بر مبارزین بی شمار داخل کشور مخاطبین زیادی در عراق، لبنان و دیگر بلاد اسلامی بودند که نهضت **امام خمینی** را الگوی خویش می دانستند.

امام خمینی و استمرار مبارزه (۱۳۵۰ - ۱۳۵۶) :

نیمه دوم سال ۱۳۵۰ اختلافات رژیم بعثی عراق و شاه بالا گرفت و به اخراج و آواره شدن بسیاری از ایرانیان مقیم عراق انجامید . **امام خمینی** طی تلگرافی به رئیس جمهور عراق شدیداً اقدامات این رژیم را محکوم نمود. حضرت **امام خمینی** در اعتراض به شرایط پیش آمده تصمیم به خروج از عراق گرفت اما حکام بغداد با آگاهی از پیامدهای هجرت **امام خمینی** در آن شرایط اجازه خروج ندادند.

سال ۱۳۵۴ در سالگرد قیام ۱۵ خرداد، مدرسه فیضیه قم بار دیگر شاهد قیام طلاب انقلابی بود. فریادهای درود بر خمینی و مرگ بر سلسله پهلوی به مدت دو روز ادامه داشت پیش از این سازمانهای چریکی متلاشی شده و شخصیتهای مذهبی و سیاسی مبارز گرفتار زندانهای رژیم بودند.

شاه در ادامه سیاستهای مذهب ستیز خود در اسفند ۱۳۵۴ وقیحانه تاریخ رسمی کشور را از مبدأ هجرت پیامبر اسلام به مبدأ سلطنت شاهان هخامنشی تغییر داد . **امام خمینی** در واکنیسی سخت، فتوا به حرمت استفاده از تاریخ بی پایه شاهنشاهی داد. تحریم استفاده از این مبدأ موهوم تاریخی همانند تحریم حزب

رستاخیز از سوی مردم ایران استقبال شد و هر دو مورد افتضاحی برای رژیم شاه شده و رژیم در سال ۱۳۵۷ ناگزیر از عقب نشینی و لغو تاریخ شاهنشاهی شد.

اوجگیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ و قیام مردم:

امام خمینی که به دقت تحولات جاری جهان و ایران را زیر نظر داشت از فرصت به دست آمده نهایت بهره برداری را کرد. امام خمینی در مرداد ۱۳۵۶ طی پیامی اعلام کرد: اکنون به واسطه اوضاع داخلی و خارجی و انعکاس جنایات رژیم در مجامع و مطبوعات خارجی فرصتی است که باید مجامع علمی و فرهنگی و رجال وطنخواه و دانشجویان خارج و داخل و انجمنهای اسلامی در هر جایی درنگ از آن استفاده کنند و بی پرده بپا خیزند.

شهادت آیه الله حاج آقا مصطفی خمینی در اول آبان ۱۳۵۶ و مراسم پر شکوهی که در ایران برگزار شد نقطه آغازی بر خیزش دوباره حوزه های علمیه و قیام جامعه مذهبی ایران بود. امام خمینی در همان زمان به گونه ای شگفت این واقعه را از الطاف خفیه الهی نامیده بود. رژیم شاه با درج مقاله ای توهین آمیز علیه امام در روزنامه اطلاعات انتقام گرفت. اعتراض به این مقاله، به قیام ۱۹ دی ماه قم در سال ۵۶ منجر شد که طی آن جمعی از طلاب انقلابی به خاک و خون کشیده شدند. شاه علیرغم دست زدن به کشتارهای جمعی نتوانست شعله های افروخته شده را خاموش کند. او بسیج نظامی و جهاد مسلحانه عمومی را بعنوان تنها راه باقیمانده در شرایط دست زدن آمریکا به کودتای نظامی ارزیابی می کرد.

هجرت امام خمینی از عراق به پاریس:

در دیدار وزرای خارجه ایران و عراق در نیویورک تصمیم به اخراج امام خمینی از عراق گرفته شد. روز دوم مهر ۱۳۵۷ منزل امام در نجف بوسیله قوای بعثی محاصره گردید انعکاس این خبر با خشم گسترده مسلمانان در ایران، عراق و دیگر کشورها مواجه شد.

روز ۱۲ مهر، امام خمینی نجف را به قصد مرز کویت ترک گفت. دولت کویت با اشاره رژیم ایران از ورود امام خمینی به این کشور جلوگیری کرد. قبلا صحبت از هجرت امام خمینی به لبنان و یا سوریه بود اما ایشان پس از مشورت با فرزندشان (حجه الاسلام حاج سید احمد خمینی) تصمیم به هجرت به پاریس گرفت. در روز ۱۴ مهر ایشان وارد پاریس شدند.

و دو روز بعد در منزل یکی از ایرانیان در نوفل لوشاتو (حومه پاریس) مستقر شدند. مأمورین کاخ الیزه نظر رئیس جمهور فرانسه را مبنی بر اجتناب از هرگونه فعالیت سیاسی به امام خمینی ابلاغ کردند. ایشان نیز در واکنشی تند تصریح کرده بود که اینگونه محدودیتها خلاف ادعای دموکراسی است و اگر او ناگزیر شود تا از این فرودگاه به آن فرودگاه و از این کشور به آن کشور برود باز دست از هدفهایش نخواهد کشید.

امام خمینی در دیماه ۵۷ شورای انقلاب را تشکیل داد. شاه نیز پس از تشکیل شورای سلطنت و اخذ رأی اعتماد برای کابینه بختیار در روز ۲۶ دیماه از کشور فرار کرد. خبر در شهر تهران و سپس ایران پیچید و مردم در خیابانها به جشن و پایکوبی پرداختند.

بازگشت امام خمینی به ایران پس از ۱۴ سال تبعید:

اوایل بهمن ۵۷ خبر تصمیم امام خمینی در بازگشت به کشور منتشر شد. هر کس که می شنید اشک شوق فرو می ریخت. مردم ۱۴ سال انتظار کشیده بودند. اما در عین حال مردم و دوستان امام نگران جان ایشان بودند چرا که هنوز دولت دست نشانده شاه سر پا و حکومت نظامی بر قرار بود. اما امام خمینی تصمیم خویش را گرفته و طی پیامهایی به مردم ایران گفته بود می خواهد در این روزها سرنوشت ساز و خطیر در کنار مردمش باشد. دولت بختیار با هماهنگی ژنرال هایزر فرودگاههای کشور را به روی پروازهای خارجی بست.

دولت بختیار پس از چند روز تاب مقاومت نیابد و ناگزیر از پذیرفتن خواست ملت شد. سرانجام امام خمینی بامداد ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ پس از ۱۴ سال دوری از وطن وارد کشور شد. استقبال بی سابقه مردم ایران چنان عظیم و غیر قابل انکار بود که خبرگزاریهای غربی نیز ناگزیر از اعتراف شده و مستقبلین را ۴ تا ۶ میلیون نفر برآورد کردند.

سرنگونی نظام شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن یوم الله:

روز ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ پرسنل نیروی هوایی در محل اقامت امام خمینی (مدرسه علوی تهران) با ایشان بیعت کردند.

سفارت آمریکا و شوروی بوسیله ساواکیها و پس مانده های رژیم شاه و با تحریک گروهکهای کمونیستی به اصطلاح مجاهدین خلق (منافقین) در حرکت های ایدئیی علیه انقلاب مشارکت فعال داشتند. گروهک تروریستی فرقان، اندیشمند برجسته و عضو شورای انقلاب، علامه مرتضی مطهری را در تاریخ ۵۸/۲/۱۲ و آیه الله قاضی طباطبایی ۵۸/۸/۱۰ و دکتر محمد مفتاح ۵۸/۹/۲۸ و حاج مهدی عراقی و پسرش ۵۸/۶/۴ ترور کرد و در ترور آقایان هاشمی رفسنجانی و موسوی اردبیلی ناکام ماند.

کمتر از دو ماه از پیروزی انقلاب نمی گذشت که ۹۸ / ۲ درصد رای دهندگان در رفراندوم ۱۲ فروردین سال ۵۸ در یکی از آزادترین انتخابات تاریخ ایران رأی به استقرار نظام جمهوری اسلامی دادند و متعاقب آن انتخابات پیاپی برای تدوین و تصویب قانون اساسی و انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی برگزار گردید.

امام خمینی پس از پیروزی انقلاب در تاریخ دهم اسفند ۱۳۵۷ از تهران به قم آمده بود و تا زمان ابتلا به بیماری قلبی ۲ بهمن ۱۳۵۸) در این شهر بود. حضرت امام خمینی پس از ۳۹ روز مداوا در بیمارستان

قلب تهران ، موقتا در منزلی واقع در منطقه دربند تهران ساکن شد و سپس در تاریخ ۲۷ / ۲ / ۱۳۵۹ بنا به تمایل خود به منزلی محقر متعلق به یکی از روحانیون (حجه الاسلام) سید مهدی امام جمارانی در محله جماران نقل مکان کرد و تا زمان رحلت در همین منزل ماند.

در انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری ایران (۵ / ۱۱ / ۱۳۵۸) و در حالیکه **امام خمینی** در بیمارستان قلب تهران بستری بود ، آقای ابو الحسن بنی صدر از رقبای خود پیشی گرفت . او که در آستانه پیروزی انقلاب به کشور بازگشته بود با سخنرانیهای و آراء کتابهای خویش از خود چهره ای مذهبی انقلابی و اقتصاد دانی آگاه آراه می کرد.

امام خمینی در مراسم حکم تنفیذ ریاست جمهوری وی فرمودند : من یک کلمه به آقای بنی صدر تذکر می دهم . این کلمه برای همه است: ((حب الدنيا راس كل خطيئه)) کیش شخصیت آقای بنی صدر و قدرت طلبی وی مانع از بکار گیری این نصیحت شد. وحدت ملی با اختلاف افکنیهای بنی صدر به مخاطره افتاده بود.

سرانجام **امام خمینی** طی حکمی کوتاه در ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ بنی صدر را از فرماندهی کل قوا عزل و متعاقب آن مجلس شورای اسلامی رای به بی کفایتی وی داد.

از این پس منافقین رسماً دست به اقدامات براندازی و فعالیتهای تروریستی زدند و اعضای آن در خانه های تیمی مخفی شدند . حزب جمهوری اسلامی در راس حملات تروریستی منافقین قرار داشت . این حزب پس از پیروزی انقلاب با همت بزرگانی همچون حضرات آقایان : خامنه ای ، دکتر بهشتی ، دکتر باهنر ، هاشمی رفسنجانی ، و موسوی اردبیلی به منظور سازماندهی نیروهای مومن به راه **امام خمینی** و مقابله با تحركات گروهکهای سیاسی ضد انقلاب تشکیل شده بود.

آیه الله خامنه ای روز ۶ تیر ماه ۱۳۶۰ بر اثر انفجار بمبی که منافقین در مسجد اباذر تهران کار گذاشته بودند به هنگام سخنرانی مجروح گردید . فردای آن روز فاجعه ای عظیم به وقوع پیوست . ۷۲ تن از کار آمدترین عناصر نظام اسلامی و یاران **امام خمینی** که در میان آنان رئیس دیوانعالی کشور (دکتر بهشتی) ، چند تن از وزرا ، تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و جمعی از مسئولین قوه قضائیه و جمعی از منتفکرین و نویسندگان و نیروهای انقلابی حضور داشتند ، در مقر حزب جمهور اسلامی بر اثر انفجار بمبی قوی که عامل نفوذی سازمان منافقین کار گذاشته بود ، شهید شدند . دو ماه بعد در روز ۸ شهریور ۱۳۶۰ آقای محمد علی رجایی چهره محبوب مردم ایران که بعد از عزل بنی صدر از سوی مردم به ریاست جمهوری انتخاب شده بود به همراه حجه الاسلام دکتر محمد جواد باهنر (نخست وزیر) در محل کار خویش با انفجار بمبی دیگر به شهادت رسیدند.

منافقین در نظر مردم ایران منفورترین مجرمینی هستند که هیچگاه جنایات جانیان مشهور تاریخ معاصر ایران به آنان نمی رسد . علاوه بر شهادت ۷۲ نفر از محبوبترین شخصیتهای نظام اسلامی در انفجار

مقر حزب جمهوری اسلامی وشهادت رئیس جمهور و نخست وزیر ایران , چهره های برجسته دیگری نیز بوسیله اقدامات تروریستی منافقین از مردم ایران گرفته شدند که می توان از ترور آیه الله صدوقی امام جمعه یزد (۶۱ / ۴ / ۱۱) , ترور آیه الله دستغیب امام جمعه شیراز (۶۰ / ۹ / ۲۰) , ترور آیه الله مدنی امام جمعه تبریز (۶۰ / ۶ / ۲۰) , آیه الله قدوسی به همراه سرتیپ دستجردی (۶۰ / ۶ / ۱۴) و ترور حجه الاسلام هاشمی نژاد (۶۰ / ۷ / ۷) و دهها شخصیت روحانی دیگر نام برد که هر یک در منطقه ای وسیع از ایران بر دلهای مردم حکومت داشتند و نقش آفرینان نهضت امام خمینی بودند.

جنگ تحمیلی و دفاع ۸ ساله امام خمینی و ملت ایران:

شکست طرحهای برانداز نظام جمهوری اسلامی با استفاده از محاصره اقتصادی و سیاسی که از سوی آمریکا در جهان پیگیری می شد و شکست این کشور در عملیات صحرای طبس پس از اشغال لانه جاسوس آمریکا , و ناکامی در تجزیه کردستان , هیئت حاکمه این کشور را در سال ۱۳۵۹ به سمت تجربه راه حل نظامی تمام عیار سوق می داد

روحیه قدرت طلبی صدام و خصومت‌های مرزی گذشته دو کشور نیز شرایطی ایده‌آل برای آمریکا پدید می آورد تا به صدام برای تجاوز و اشغال نظامی ایران چراغ سبز داده و فرمان عملیات را صادر کند.

به هر حال ارتش عراق در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تجاوز گسترده نظامی خویش را در طول ۱۲۸۰ کیلومتر مرز مشترک از شمالی ترین نقطه مرز مشترک با ایران تا بندر خرمشهر و آبادان در جنوب ایران آغاز کرد . همزمان هواپیماهای نظامی عراق فرودگاه تهران و مناطق دیگر را (در ساعت ۲ بعد از ظهر) بمباران کردند.

ارتش ایران که بر اثر حوادث انقلاب به شدت آسیب دیده و از هم گسیخته بود , دوران اولیه بازسازی خود را می گذراند.

سپاه تازه تاسیس پاسداران انقلاب اسلامی که به فرمان امام خمینی تشکیل شده بود در آغاز راه بود و نیرو , تجهیزات , و تجربه کافی در روزهای نخست جنگ نداشت.

نخستین واکنش‌های امام خمینی و اولین پیامها و سخنرانیهای امام خمینی در رابطه با تجاوز ارتش عراق از لحاظ شناخت شخصیت وی و نوع فرماندهی او بسیار جالب توجه است که در اینجا مجال بازگویی ظرافتها و ویژگیهای آن نیست . امام خمینی بی درنگ فرمان مقاومت صادر کرد.

قبلا فرمان امام خمینی مبنی بر بسیج عمومی و تشکیل ارتش بیست میلیونی با استقبال جوانان انقلابی ایران مواجه و آموزش و اعزام بسیجیان به جبهه ها فضای ایران را دگرگون ساخته بود . موفقیت‌های پیاپی رزمندگان سپاه اسلام آثار شکست را در جبهه بعثیها نمایان ساخت.

انواع سلاحهای پیشرفته ای که حتی در شرایط صلح نیز تهیه آنها دشوار و به چندین سال پیگیری و مذاکره و امتیاز دادن نیاز داشت به سرعت در اختیار صدام قرار گرفت.

موشکهای اگزوسه و هواپیماهای سوپراتاندارد فرانسوی از آنجمله اند . امام خمینی در شرایطی دفاع مقدس ملت را هدایت می کرد که جمهوری اسلامی رسماً از سوی آمریکا و اروپا تحریم تسلیحاتی شده بود و برای یافتن یک قطعه هواپیماهایش می بایست ماهها وقت صرف کند.

سقوط صدام به دست سپاه اسلام کوس شکست چندین قدرت بزرگ جهان را در مقابله با انقلاب اسلامی به صدا در می آورد . اینک برخلاف گذشته همه تلاشهای آمریکا و شورای امنیت بر مسدود کردن راه پیشروی رزمندگان ایرانی و جلوگیری از سقوط صدام متمرکز شده بود . قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از تصویب گذشت . این قطعنامه قسمت عمده نظرات و شرایط قبلی ایران برای ترک نبرد را که از آغاز دفاع خویش بر آنها اصرار می ورزید ولی سازمانهای بین المللی به امید پیروزی صدام زیر بار نمی رفتند ، پذیرفته بود

این گروه در پایان بررسی به اتفاق آرا نظر خویش را مبنی بر آماده بودن شرایط برای اثبات حقانیت جمهوری اسلامی در دفاع مقدس ۸ ساله و ترک مخاصمه بر اساس مفاد قطعنامه ۵۹۸ بود.

پیام امام خمینی معروف به پیام قبول قطعنامه تعبیر امام خمینی از پذیرش قطعنامه به عنوان جام زهر خود حقایقی ناگفته دارد و حاوی نکات ظریف بسیاری است که بیان آنها در این مقاله نمی گنجد و فقط به ذکر فrazی از پیام امام خمینی در این رابطه بسنده می شود : و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود ، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در چنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم ، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می دانم و خدا می داند که اگر نبود انگیزه ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود هرگز راضی به این عمل نمی بودم و مرگ و شهادت برایم گواراتر بود.

اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم و مسلم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود...

از جمله شگفتیهای دوران طولانی دفاع مقدس ملت ایران آنکه در تمام این مدت مردم ایران نشاط خود را برای سازندگی و جبران خرابیهای به ارث مانده از رژیم سابق هیچگاه از دست ندادند و در همین مدت علاوه بر اداره کامل امور جبهه ها ، طرحهای بزرگ بازسازی و نوسازی کشور از پروژه های عظیم

سد سازی و راه سازی گرفته تا طرحهای توسعه اکتشافات و بهره برداری نفتی و توسعه نیروگاههای انرژی و بهسازی امور کشاورزی و افزایش دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی کشور و دیگر امور مربوط به توسعه ملی را با جدیت دنبال کردند.

امام خمینی در تاریخ ۴ / ۲ / ۱۳۶۸ به منظور اصلاح و تکمیل ارکان تشکیلات نظام اسلامی طی نامه ای به رئیس جمهور وقت (حضرت آیه الله خامنه ای) هیئتی از صاحب نظران و کارشناسان را مسئول بررسی و تدوین اصلاحات لازم در قانون اساسی بر اساس ۸ محور تعیین شده در همین نامه نمود . اصلاح مواد مربوط به شرایط رهبری ، تمرکز در قوه مجریه و قضائیه و صدا و سیما و وظایف مجمع تشخیص مصححت نظام از اهم این موارد بود . مواد اصلاح شده قانون اساسی در تاریخ ۱۲ آذر ۱۳۶۸ (بعد از رحلت) به فراندوم عمومی گذاشته و با اکثریت مطلق آرا به تأیید ملت ایران رسید .

دفاع از پیامبر اسلام و ارزشهای دینی آخرین رویارویی امام خمینی با غرب:

ماجرای تدوین و انتشار وسیع کتاب مبتدل آیات شیطانی نوشته سلمان رشدی و حمایت رسمی دولتهای غربی از آن سر آغازی بر فصل تهاجم فرهنگی بود . امام خمینی با توجه به دلایل و واقعیهتهای فوق در تاریخ ۲۵ / ۱۱ / ۱۳۶۷ در ضمن چند سطر کوتاه با صدور حکم ارتداد و اعدام سلمانی رشدی و ناشرین مطلع از محتوای کفر آمیز این کتاب ، انقلابی دیگر بر پا کرد .

سالهای آخر عمر امام خمینی و حوادث ناگوار:

چند حادثه در این سالها اتفاق افتاد که اثر آن بر روح و خاطره امام خمینی سنگینی می کرد . یکی از این حوادث ، شهادت مظلومانه حجاج بیت الله الحرام در کنار خانه خدا و در مراسم حج سال ۱۳۶۶ بود . در پهنه مسأل داخلی نیز شرایطی که منجر به برکناری قائم مقام رهبری از سوی امام خمینی (در تاریخ ۸ / ۱ / ۶۸) گردید از جمله حوادث ناگوار دیگر بود (امام خمینی در آخرین نامه ای که خطاب به وی نوشت و منجر به پذیرش استعفا و برکناری او از قائم مقام رهبری گردید این نکته را تصریح کرده بود که او از ابتدا با انتخاب آقای منتظری به عنوان رهبر آینده نظام اسلامی مخالف بوده و ایشان را فاقد طاقت لازم برای پذیرش این مسئولیت سنگین و خطیر و مشکل می دانسته است .



رحلت امام خمینی:

در آستانه نیمه خرداد سال ۱۳۶۸ خود را در آماده ملاقات عزیزی می کرد که تمام عمرش را برای جلب رضای او صرف کرده بود و قامتش جز در برابر او ، در مقابل هیچ قدرتی خم نشده ، و چشمانش جز برای او گریه نکرده بود . سروده های عارفانه اش همه حاکی از درد فراق و بیان عطش لحظه

وصال محبوب بود. و اینک این لحظه شکوهمند برای او، و جانکاه و تحمل ناپذیر برای پیروانش، فرا می رسید. امام خمینی خود در وصیتنامه اش نوشته است: با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می کنم و به دعای خیر شما احتیاج مبرم دارم و از خدای رحمن و رحیم می خواهم که عذرم را در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر بپذیرد و از ملت امیدوارم که عذرم را در کوتاهی ها و قصور و تقصیرها بپذیرند و با قدرت و تصمیم و اراده به پیش بروند.



ساعت ۲۰ / ۲۲ بعداز ظهر روز شنبه سیزدهم خرداد ماه سال ۱۳۶۸ لحظه وصال بود. قلبی از کار ایستاد که میلیونها قلب را به نور خدا و معنویت احیاء کرده بود.

روز شمار برخی مبارزات و تبعیدهای حضرت امام خمینی (ره)

۱۶ مهرماه سال ۱۳۴۱

جلسه مهم حضرت امام خمینی (ره) با مراجع قم در رابطه با انجمنهای ایالتی و ولایتی

۱۱ آذر ماه سال ۱۳۴۱

لغو تصویبنامه ساختگی انجمنهای ایالتی و ولایتی به دنبال مبارزات پیگیر حضرت امام خمینی (ره) و صدور پیام حضرت امام خمینی (ره) در مورد ختم این غائله

۲ بهمن سال ۱۳۴۱

تحریم فراندوم غیر قانونی و قلابی شاه از سوی حضرت امام خمینی (ره)

۲ فروردین ماه سال ۱۳۴۲

فاجعه خونین مدرسه فیضیه به دست عمال رژیم شاه

۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲

دستگیری شبانه حضرت امام خمینی (ره). قیام تاریخی ملت ایران در اعتراض به دستگیری حضرت امام (ره)

۴ تیرماه سال ۱۳۴۲

انتقال حضرت امام خمینی (ره) از پادگان قصر به سلولی در عشرت آباد.

۲۱ فرودین سال ۱۳۴۳

سخنرانی تاریخی حضرت امام خمینی (ره) در مسجد اعظم قم پس از آزادی از حبس و حصر.

۴ آبان ۱۳۴۳

سخنرانی کوبنده حضرت امام خمینی (ره) به مناسبت طرح اسارتبار کاپیتولاسیون.

۱۳ آبان ۱۳۴۳

بازداشت و تبعید حضرت امام خمینی (ره) به ترکیه

۲۱ آبان سال ۱۳۴۳

انتقال حضرت امام خمینی (ره) از آنکارا به بورسای ترکیه

۱۳ مهرماه سال ۱۳۴۴

انتقال حضرت امام خمینی (ره) از ترکیه به بغداد

۱۶ مهرماه ۱۳۴۴

حرکت امام خمینی (ره) از سامرا به کربلا بعد از تبعید به عراق

۲۳ مهرماه ۱۳۴۴

ورود و استقرار حضرت امام خمینی در نجف بعد از تبعید به عراق

۲۳ آبان ۱۳۴۴

شروع درسهای حوزه‌های حضرت امام خمینی در نجف پس از تبعید به عراق

۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۶

پیام حضرت امام خمینی (ره) به مناسبت چهلم شهدای قم

۲ مهرماه ۱۳۵۷

محاصره منزل حضرت امام خمینی (ره) توسط نیروهای بعثی عراق

۱۰ مهرماه ۱۳۵۷

هجرت حضرت امام خمینی (ره) از عراق به سوی کویت

۱۳ مهرماه ۱۳۵۷

هجرت حضرت امام خمینی (ره) از عراق به فرانسه

۱۲ بهمن ۱۳۵۷

بازگشت امام خمینی (ره) به میهن اسلامی پس از ۱۵ سال تبعید.

منبع : <https://www.beytoote.com>